

قصاب کاشانی

سخنوری پر آوازه و نامدار در خطهٔ وراورد

مهدی صدی *

ملک الشعرايي رسيد قصاب و شايد مخلص هم انتظار داشتند و متوقع بودند. همچنانکه در کاشان با هم بودند و شعر برای یکدیگر طرح می کردند و برای یکدیگر می خواندند و در اصفهان نیز این دو در کنار ملک الشعرا، یعنی نجیب به شکلی بهره مند گردند. اما چنین نشد و این امر سبب شد تا قصاب گلایه و انتقادات اجتماعی خویش را در غزل هایش آشکار کند و بروز دهد و از نامردمی ها و نامردی ها سخن بگوید تا جایی که کاشان را مکانی دردآور و رنج آلود و ملال آور - که مملو از خاطرات گذشته کار شاعریش بود - به حساب آورد به حدی که از زادگاهش گریزان گردد و جلای وطن نماید و رحل اقامت به مشهد مقدس افکند و در مقطع یکی از غزل هایش که تاکنون منتشر نشده دلگیرانه - با آنکه خویش را کاشانی می داند - ساکن خاک خراسان برمی شمارد. آن بیت این است:

از دیارم اینقدر قصاب، می پرسی چرا؟

ساکن خاک خراسانم، ولی کاشانیم

قصاب هم همانند نجیب - همانگونه که در آغاز این مقال بدان اشاره شد - نامی از وی در کتب تاریخ ادبیات ایران برده نشده است. تنها دکتر ذبیح الله صفا در کتاب تاریخ ادبیات در ایران، شرح حالی از مخلص کاشانی آورده است. گفتنی است که پس از درگذشت نجیب به سال ۱۱۲۳ ه. ق.، اعتماد الدوله صدراعظم وقت دربار شاه سلطان حسین صفوی، مخلص را از کاشان به اصفهان طلبید و وی را به جانشینی نجیب منصوب نمود.

از آوازهٔ قصاب در نزد مردم منطقهٔ وراورد همین بس است که هنوز سخنش زنده و جاری است، به چند دلیل بارز و متقن به شرح زیر:

یکی آنکه هنرمند معروف و سرشناس تاجیک آقای بای محمدنیازی - که خجندی است و عمر پربرکتش از هشتاد و پنج سال می گذرد - یکی دو سال پیش غزلی از غزلیات

قصاب کاشانی از سخنوران نامدار و پرآوازه در وراورد است که آوازه و شهرت وی در حوزهٔ تاریخ ادبیات در ایران طرفی ندارد. هر چه از این سخنور آشفته حال و لطیف طبع آگاه شده ایم، از دیوان این شاعر است که شادروان پرتو بیضایی کاشانی - بر پایهٔ یک نسخهٔ خطی ملکی خویش در حدود کمتر از دو هزار و پانصد بیت - در سال ۱۳۳۸ ش. آن را تصحیح و منتشر نمود. البته در مقدمهٔ دیوان اشاره شده که با نسخهٔ مضبوط در کتابخانهٔ مجلس شورای اسلامی مقابله شده که در حد یکی دو مورد بیشتر نیست.

پیش از انتشار دیوان قصاب، ابیاتی به شکل تمثیل بر زبان مردم جاری بود که سرایندهٔ ابیات را نمی شناختند. همچنانکه در امثال و حکم دهخدا - که به طور گذرا توری کرده ام - به دو سه بیت از سروده های این سراینده برخورد نمودم که بدون ذکر نام سراینده ثبت گردیده. در جلد مربوط به حرف «خ» در منبع مذکور بیت، معروف تر از معروف وی از غزل مشهورتر از مشهورش با مطلع:

تا کی به بزم شوق غمت جا کند کسی

خون را به جای باده به مینا کند کسی

با حرفی سیاه و درشت بدون ذکر نام سراینده چنین

به ضبط آورده است:

خوش گلشنی است حیف که گلچین روزگار

فرصت نمی دهد که تماشا کند کسی

واعظان همین بیت را با ابیاتی دیگر از این غزل به عنوان تنبّه و ارشاد و هدایت مردم به هنگام وعظ و خطابه می خوانند. این سخنور نامی با دو سخنور نامی دیگر همشهریش، یعنی نجیب کاشانی - ملک الشعراي ایران در عصر شاه سلطان حسین صفوی - و مخلص کاشانی همعصرند و عصر زندگی شان به اواخر دورهٔ صفویه باز می گردد. از زمانی که نجیب راه ترقی را پیمود و به منصب

* پژوهشگر مثنوی ادبی و مصحح دیوان نجیب کاشانی، محتشم کاشانی و کلیم کاشانی.

قصاب را به مطلع:

عمری است سراسر که به آزار، منم من

سرگشته در این حلقه پرگار، منم من
خوانده است و بارها و بارها از صدای تاجیکستان و
همچنین از بخش برون مرزی صدا و سیمای خراسان پخش
شده و می‌شود. و دیگر آنکه یکی از سرایندگان معروف اهل
خجند تاجیکستان، به نام قربان حسینی - که در شعر
«قربان» تخلص می‌نماید و سال پیش در سن شصت و
هشت نه سالگی به رحمت خدا رفت - غزل‌هایی از قصاب را
تخمیس کرده است. یکی از تخمیس‌های قربان حسینی را
با مطلع:

چو آهو بر سر کویت رسیدن آرزو دارم

گلی از عنبر زلفت شنیدن آرزو دارم

به دیده خاک پایت را کشیدن آرزو دارم

«شبی ای مه، به پابوست رسیدن آرزو دارم

دو بیت از لعل جان بخت شنیدن آرزو دارم»

همین بای محمد نیازی به آواز خوانده و از صدای

تاجیکستان و نیز از بخش برون مرزی صدا و سیمای
خراسان پخش گردیده است. دیگر اینکه مرحومه خانم اش.
صاحب آوا، همسر مرحوم دکتر عبدالغنی میرزایف دست به
تصحیح و انتخاب صد و یک غزل از غزل‌های قصاب را نمود
و آن را با مقدمه خویش و ارشاد و راهنمایی همسرش به
سال ۱۹۶۸ م. به خط کرلیک در شهر دوشنبه در جزو
سلسله انتشارات «عرفان» منتشر کرد.

پس از گذشت حدود سه سده از درگذشت قصاب

همین بس است که هنوز سخنش زنده و بر سر زبان‌هاست.
در پایان این مختصر، نگارنده از آقای شاه منصور خواجه‌اف
که صد و یک غزل قصاب را به فارسی برگردان کرده‌اند و
همچنین به دنبال فراهم آوردن میکروفیلم دو نسخه خطی
دیگر از دیوان قصاب - بجز دو نسخه‌ای که شخصاً به هزینه
خویش در سال ۱۳۷۱ ش. میکروفیلم آن را از کتابخانه عینی
شهر دوشنبه تهیه کردم - هستند. به امید اینکه مقابله و
تصحیح دیوان قصاب با شش نسخه خطی و دو نسخه چاپی
پرتو و صاحب آوا به انجام رسد و منتشر گردد.

مرکز پژوهشی سراسر مکتوب با همکاری مراکز علمی
و دانشگاهی معتبر داخلی و خارجی منتشر می‌کند.

۱. پژوهش و چاپ تلویحات ابن کمونه با همکاری دانشکده الهیات دانشگاه تهران.
۲. چاپ رنگی نسخه ابانیه عن حقایق الادویه، بصورت نسخه برگردان با همکاری آکادمی علوم اتریش.
۳. ترجمه‌ای کهن از کتاب النجاره ابوالوفاء بوزجانی با همکاری انجمن تحقیقات ایران و فرانسه.
۴. چاپ مفاتیح الاسرار شهرستانی با همکاری مؤسسه اسماعیلیه لندن.
۵. دیوان غالب دهلوی با همکاری انستیتو غالب دهلوی در هند.
۶. فهرست نسخه‌های خطی مرکز ایران‌شناسی دانشگاه آکسفورد با همکاری آن دانشگاه.
۷. نورالعیون با همکاری مرکز تحقیقات طب سنتی ایران.
۸. سمک عیار با همکاری بخش ایران‌شناسی دانشگاه اوساکای ژاپن.

